

متن میز: یادگاری

تا به حال به کلمه یادگاری فکر کردین اینکه اصلا یادگاری ها باید ما رو یاد چی بیاندازد؟(جواب)

یادگاری کلمه مثبتی است یا منفی؟! و یا یادگاری بد و شوم داریم؟!

همه آدمها دوست دارند به نیکی ازشون یاد بشه. وقتی اسمشون میاد، بگن فلانی خیلی آدم خوبیه یا خیلی آدم منصفیه ... مهربونه. گاهی ممکنه یادگاری ها ما رو بیره به گذشته... مثل عکس های دوران مدرسه، مثل آلبوم بچگی ها که سهم همه شون میشه یه «یادش بخیر» کش دار و حسرت بار!

گاهی یادگاری ها واقعا بارزش ترند... ماندگار تر از یک عکس یا یک هدیه، درست مثل یک باغبونی که تمام ثمره زندگی اش کاشتن و رسیدگی به نهال هایی است که به درخت تبدیل شده و سالها بعد، آدمها زیر سایه اش می نشینند و از میوه هاش استفاده می کنند و یادش بخیر می گویند.

گاهی وقت ها بعضی آدم ها از خودشون یک فرهنگ خوب باقی می گذارند، یا یک نسبت خوب، یا بنیان گذار یک اندیشه خوب هستند. مثل چی؟ مثل مدرسه ساختن، مثل درس دادن، مثل کتاب نوشتن... این جور افراد شاید زمان زیادی طول بکشه تا ثمره کارشون را ببینند، ولی قطعاً تاوَم این مورد از مورد اولی به مراتب بیشتره.

گفتیم، آیا یادگاری می تونه بار منفی داشته باشه؟ می تونید چند تا یادگاری بگوئید که خوشایند نیست؟ وقتی بهش فکر می کنید و یا به اون فرد، حس بدی بهتون دست می دهد. (جواب) مثل جنگ، مثل حسادت، مثل نژاد پرستی، مثل دروغگویی، و...

واقعیتش اینه که ما آدم ها تاثیر گذاریم. رفتار ما چه خوب چه بد، میتونه روی اطرافیانمان، روی آیندگان، و حتی روی دنیا اثر داشته باشه!

پس یادگاری هایی که از خودمون به جا می گذاریم می تواند بیان گر این باشه چه جوری زندگی کردیم. چه چیزی برامون ارزشمند بوده. به کدام اصول اخلاقی پای بند بودیم و ...

من و شما به عنوان یک زن نقش های مختلفی توی جامعه داریم؛ یا دختریم یا همسریم، یا مادریم، یا همکاری، یا پرستاریم... اگر همه ما بیایم از جامعه کوچیک اطرافمون شروع کنیم؛ می شود تاثیرش را در جامعه بزرگتر هم احساس کنیم. اگر کمی با هم تاریخ را ورق بزنیم، به زنان بزرگی می رسمیم که یادگاری های ارزشمندی داشتند، و حتی بر عکس؛ چه زنانی بودند که باعث ایجاد یک تفکر اشتباه یا یک افسوس بزرگ برای انسان ها شدند. چه جنگ ها که به واسطه خودخواهی های یک زن شروع شد، و چه صلح ها که با تدبیر یک زن رقم خورد.

در سیر تاریخ دینی ما هم زنان، بسیار تاثیرگذار بوده اند. به طوری که علما بخشی از کتاب های خودشون رو به معرفی و شرح حال این بانوان اختصاص داده اند.

می خوام داستان یکی از این بانوان را برای شما تعریف کنم. (کسی که این ماجرا را برای ما نقل کرده عالم و دانشمند بزرگی است از هم وطنان خودمون. ایشون اهل همین خراسان ما بودند، البته در نزدیک به هزار سال پیش. احتمالاً نام این عالم بزرگ شیعه برای شما آشناست: شیخ طوسی رحمه الله علیه. ایشون کتابی دارند به نام «الرجال» که شرح حال شخصیت های مهم تاریخ اسلام و راویان حدیث را در آن آورده اند. و در آن نام زنان روایت کننده از معصومین را هم ذکر کرده. (بیش از 60 نفر) این مقام والایی است که بانویی سخن معصومان را برای آیندگان نقل کنه و به یادگار بگذارد و در هر زمان نامش به عظمت یاد بشود...)

داستان جالبی از یک بانوی شیردل در این کتاب آمده که از اهالی همدان از توابع یمن بودند.

داستان سوده همدانی:

سوده همدانی زنی شجاع در جنگ صفین بود و خیلی برای امیرالمومنین علیه السلام فداکاری کرده است. فداکاری‌هایش در جنگ صفین و در کنار امامش حضرت علی علیه السلام باعث شد که معاویه کینه این بانو را در دل داشته باشد.

روزگار گذشت و امیرالمومنین علیه السلام به شهادت رسیدند، و فرماندار معاویه¹، حاکم شهر همدان شد، و هر کاری می‌خواست انجام می‌داد و کسی جرأت اعتراض یا مخالفت را نداشت. تا اینکه سوده، تصمیم گرفت به دربار معاویه در شام بره و از قتل و غارت و فساد فرماندار به معاویه شکایت کنه.

معاویه او را شناخت و سرزنشش کرد. گفت: یادت میاد که در جنگ صفین چه کار می‌کردی؟ حالا دستور می‌دم تو را سوار بر شتری برهنه تحویل فرماندارم بدهند تا هر گونه دوست دارد، با تو رفتار کند... سوده، در حالی که اشک می‌ریخت اشعاری² را با این مضمون خواند:

«خدایا درود بر پیکر پاکی بفرست که چون دفن شد عدالت هم دفن شد، و خدا سوگند خورده که همتایی برای او نیاورد، و تنها او با حق و ایمان همراه بود.» (می‌توانید فقط ترجمه را بخوانید)

معاویه تعجب می‌کنه و می‌پرسه: چه کسی را می‌گی؟ این اشعار را درمورد چه شخصی خوندی؟

سوده گفت: امیرالمومنین علی علیه السلام را می‌گویم که چون رفت، عدالت هم رفت. ای معاویه! بدان، فرماندار امیرالمومنین علی علیه السلام در همدان چند کیلو گندم از من اضافه گرفت، به کوفه رفتم وقتی رسیدم که امیرالمومنین مشغول نماز مغرب بود. تا من رفتم و متوجه شد کسی آمده و مشکلی دارد، نمازش را فوراً تمام کرد و فرمود: حاجتی داری؟

ماجرای تعریف کردم و گفتم چند کیلو گندم مهم نیست، می‌ترسم فرماندار تو به سوی تجاوز و رشوه‌خواری پیش رفته و آبروی حکومت علوی خدشه دار شود. امیرالمومنین با شنیدن حرفهای من گریه کردند و گفتند: خدایا! تو گواهی که من آنها را برای ستم به مردم دعوت نکردم.

بعد نامه ای³ نوشتند و اونو رو از سمتش برکنار کردن و نامه را به من دادند. بلافاصله پس از بازگشت من به شهر همدان، فرماندار عزل و فرد دیگری به جای او آمد.

ای معاویه، آن روز شکایت من از چند کیلو گندم اضافی بود، اما امروز به تو شکایت کردم که فرماندار تو شراب می‌خورد، تجاوز می‌کند، مال مردم را به یغما می‌برد، خون بی‌گناهان را می‌ریزد؛ و تو به جای اجرای عدالت و عزل فرماندار فسادگر، مرا تهدید به مرگ می‌کنی؟! و ادعا داری که خلیفه مسلمین هستی؟!!

معاویه سری تکان داد و گفت: این شهادت و شجاعت اعتراض کردن به سلطان را علی (علیه السلام) در شما زنده کرده است.

و سوده همدانی این را به یادگار گذاشت که در تمام احوال، حالش گره خورده به امام زمانش ... چه در جنگ و چه در موارد دیگر ... و حتی با وجود بدی هایی که می‌بینه ... باز دلش گرمه به خوبی امام ... و بدی هیچ آدمی رو به حساب اون نمی‌زاره ... و سوده همدانی نامش به نیکی در خاطره تاریخ ماندگار شد.

1 - بسر بن ارطاه

2 - صلی الله علی جسم تضمّنه قبر فاصبح فيه العدل مدفوناً

قد حالف الحق لا یبغی به بدلاً فصار بالحق و الایمان مقروناً

3 - بسم الله الرحمن الرحیم، قد جانتکم بینة من ربکم فأوفوا الکیل و المیزان، و لا تبخسوا الناس أشياءهم، و لا تُفسدوا فی الارض بعد اصلاحها، ذالکم خیر لکم من یقبضه. والسلام.

درمورد یادگاری هایی که آدمها از خودشون به جا می گذارند صحبت می کردیم. آدم ها به تبعیت شان و مقامی که دارند، یادگاری هاشون هم متفاوت. قطعاً یادگاری یک استاد دانشگاه با یادگاری یک بچه 10-11 ساله فرق داره. طبیعتاً از افراد بزرگ، انتظار یادگاری های بزرگ و ارزشمندتری داریم.

پیامبر اکرم صلی ... علیه و آله برترین مخلوق خداوند هستند و دین اسلام هم جهانی است. یعنی برای کل مردم دنیا از زمان بعثت ایشان تا آخر دنیا آمده.

حالا این آدم خیلی بزرگ که نفر اول کل خلقت، قبل از رفتنش دو چیز از خودش به یادگار گذاشتند. یکی قرآن دیگری اهل بیت علیهم السلام. و تاکید کردند که اگر این دو رو در کنار هم داشته باشید هیچ وقت راه درست را گم نمی کنید.

پیامبر اکرم که به تصریح آیات هرگز از روی هوا و هوس حرفی نمی زنند و هر آنچه می گویند خواست و اراده خداوند است.⁴

ولی بعد از پیامبر خیلی ها سعی داشتند قرآن را از اهل بیت علیهم السلام جدا کنند، و این یادگارهای پیامبر را پشت سر بندازند. یادگارهایی که تضمین خوشبختی انسانها بودند و سرنوشت آیندگان به اونها بستگی داشت.

حضرت زهرا سلام الله علیها، یکی از شاخص ترین افرادی بودند که سعی داشتند این یادگاری را حفظ و نگهداری کنند و به دفاع از این یادگاری ها پرداختند. لذا یکی از مهمترین راه ها این بود که مردم را نسبت به جایگاه و عظمت این امر مهم آگاه کنند.

بنابراین حضرت زهرا شروع کردند به روشننگری درباره یادگارهای پیامبر و برای این کار با مردم صحبت می کردند؛ فردی یا دسته جمعی، در خانه یا کوچه یا مسجد پیامبر ...

در بخشی از خطبه ای که در جمع زنان مهاجر و انصار ایراد کردند، می فرمایند: «به خدا سوگند اگر مردم پای در میدان می گذاشتند و زمام امور را که پیغمبر بر عهده علی نهاده بود، به او می سپردند؛ و این حجت واضح را پذیرا می شدند؛ ایشان را به آسانی به راه راست می برد. ... تشنگان عدالت را از چشمه سرشار و زلال حقیقت سیراب می کرد. چشمه ای که آب زلال آن فواره زنان از هر طرفی جاری است و هرگز رنگ کدورت نپذیرد.»

حضرت زهرا سلام ... علیها، در جمع های مختلف فضایل امیرالمومنین علیه السلام را می گفتند و جایگاه امامتی ایشان را برای مردم روشن می کردند.

وقتی پای نفس پیامبر⁵، به میان آمد خودی برایش نماند. وقتش بود که از حریمش و از حرمتش مایه بگذارد؛ حتی اگر نگهش نداشتند، حتی اگر بشکندش، با تازیانه باشد یا با غلاف شمشیر یا ... دفاع از امام زمانش، ارزشمند بود و این فداکاری ارزشش را داشت.

می خوام بگم ماهایی که دوست داریم نام نیکی از خودمون به یادگار بزاریم. وقتی تاریخ و ورق می زنیم می بینیم آدم هایی که رفتند کنار حجت زمانشون و جانانه به پاش و ایسادن هم عجیب تو سخت ترین شرایط حال دلشون خوب بوده و روح قوی داشتن و هم خدا نام اون ها رو تو خاطره تاریخ به نیکی ثبت کرد و نگه داشته ... مثل سلمان فارسی، میثم تمار، تک تک یاران بی نظیر سید الشهداء در عاشورا ... انگار خدا اونها رو یادگاری برای نسل های بعد مگه داشته.

حالا برسیم به خانمی که به بهانه میلادش اینجا جمع شدیم...

⁴ و ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى- 3 و 4 سوره نجم

⁵ در آیه مباحله (61-آل عمران) منظور از نفس پیامبر به نقل از اهل تسنن و تشیع وجود امیرمومنان حضرت علی علیه السلام هستش.

یکی از شاگردان سید محمود مجتهد سیستانی⁶ که هم اکنون از واعظان⁷ بزرگ شهر مشهد هستند به خاطره قابل توجهی را تعریف می کنند.

روزی در خدمت استاد نشسته بودیم؛ بی مقدمه پرسید: این همه عظمت مقام حضرت معصومه سلام... علیها از چیست؟!

غافلگیر شدیم! سؤالها را پی در پی و سریع ادامه دادند!

کتابی نوشته اند بی بی؟!

خطابه ای دارند؟!

تدریس کردند و شاگردی داشته اند؟

ما هم مبهوت گفتیم نه و نه و نه!!!

فرمود: پس اینهمه علو مقام و منزلت از چیست؟

که امام صادق علیه السلام فرمود: بشفاعت همین دخترم همه ی شیعیان من به بهشت راه یابند؟!

مثلا اینکه باز امام صادق علیه السلام فرمودند: برای خداوند، حرمی است و آن مگه است. برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه است. برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه است. و برای ما حرمی است و آن، قم است. به زودی زنی از فرزندان من در آن جا دفن می شود که نامش فاطمه می باشد. هر کس او را زیارت کند، بهشت برای او واجب می شود⁸.

(امیرالمؤمنین می فرمایند: ... زنی از فرزندان من در قم از دنیا می رود که اسمش فاطمه بنت موسی علیهما السلام است و به شفاعت او همه شیعیان من وارد بهشت می شوند⁹).

حضرت رضا علیه السلام به سعد فرمود: ما نزد شما قبری داریم. سعد گفت: فدایت شوم، قبر فاطمه دخت موسی علیهما السلام را می فرمایید؟ حضرت فرمود: بله، هرکس در حالی که به حق او عارف است، وی را زیارت کند، بهشت برای او خواهد بود¹⁰.

واقعا مقام عجیبی است و این سوال که چرا؟!

شاگرد آقای سیستانی ادامه می دهد که اعتراف به جهل در نزد معلم شرط دریافت علم است و تقاضا و خواهش زمینه ساز بارش دانش!

گفتیم نمی دانیم. امامان دختران دیگر فراوان داشته اند، از قضا عموم آنان پارسایی و تقوا داشته و عابده و تقیه و زاهده بودند؛ فاطمه معصومه خود نیز خواهران صالحه داشته اند، پس چرا در آسمان عترت این ستاره درخشنده تر از دیگر ستارگان است و شفیعه ی شیعیان؟!

استاد فرمود: در نزد حضرت احدیت کمال و مرتبت و منزلت به میزان بندگی است و طاعت و ان عبودنی هذا صراط مستقیم

سر عظمت دخت موسی بن جعفر (علیها السلام) نیز همین است. حضرتش در بین خود و خدایش طاعتش و معرفتش و نیز تولا و محبتش به حجت او (امام زمانش حضرت موسی بن جعفر و بعد امام رضا علیهما السلام) بیشتر بوده لاجرم مقامش بالاتر و نامش والاتر است.

یه بار یک نفر تذکر لطیفی داد.. گفت این جمله فداها ابوها، پدرش به فدایش. از لسان دو معصوم خارج شده. یکی نفر اول عالم خلقت پیامبر خاتم صل... علیه و آله در مورد بانویی که هم شان امیرالمؤمنین است. یعنی دخترشان حضرت زهرا سلام الله علیها - توجه داشته باشید پیامبر همان فردی است که از روی هوا و هوس پدران حرف نمی زنه... و نفر دوم فرزند پیامبر، جانشین پیامبر، که مثل پیامبر از روی هوا و هوس حرف نمی زند. امام موسی کاظم علیه السلام نسبت به فرزندشان حضرت فاطمه معصومه سلام... علیها... زمانی که به جای پدر پاسخ نامه های شیعیان را به درستی و زیبایی داده بودند. ایشان هم پا جای پای مادرشان حضرت

6 - ایشان برادر آیت... سید علی مجتهدی سیستانی مرجع بزرگ شیعی در عراق هستند

7 - آقای حامد رضا معاونیان

8 - بحار الأنوار، ج 102، ص 267 به نقل از تاریخ قم

9 - بحار الأنوار، ج 60، ص 228 به نقل از مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری

10 - بحار الأنوار، ج 102، ص 266

ز هرا سلام .. عليها گذاشتند و به همان شیوه رفتار کردند. یعنی زندگیش حول محور امام زمانش بود. و جانش را در راه وصلش داد.¹¹

و یادگاری که از خودش گذاشت در دستگاه احدیت ارزش عجیبی دارد.

اما من چه کار کردم؟! چه به یادگار می زارم ... مثل فاطمه زهرا، مثل فاطمه معصومه ... من و تو چه چیزی را هزینه امام زمانمان حضرت مهدی علیه السلام می کنیم. من و تو از چه چیزی برایش مایه می گذاریم؟ حالا که این ایام مصادف با ایام میلاد حضرت معصومه است، بیا از شون یاد بگیریم، دفاع از امام مان را، امامی که ما رو می بیند و صدامون رو می شنود. امامی که هست و هوای ما رو داره. پدرانه نگاهمون می کنه و مادرانه حمایتمون. که اگر اون و داشته باشیم دلمون گرم و محکم میشه.

من و شما به عنوان یک زن، یک دختر... یک آدم موثر... می تونیم سنت های قشنگ و زیبایی در خانواده هامون رواج بدیم. سنت های خوبی که سال ها بین نسل ها به یادگار بمونه. نسل به نسل بگن: این کار و فلانی یادمون داده!

مثلا یادم داد که اگر هر روز به امام زمانت سلام بدی، اینجوری توجه شخص اول دنیا رو به سمت خودت جلب می کنی. پس هر روز سلام بده، تا ببینی زندگی ات چه عطر و بویی می گیره. سلام امام زمانم! سلام امام مهربانم! خودم اینجوری زندگی می کنم و این سنت و به یادگار می زارم و یا مثلا بگن:

فلانی یادم داده هر وقت می خوای صدقه بدی، حتما همه اش یا مقداری اش رو برای سلامتی امام زمانت بده، اینجوری امام زمان هم برای سلامتی شماها دعا می کنند.

خلاصه که همه آدم ها از خودشان یک یادگاری بر جای می گذارند ما هم از این قاعده مستثنی نیستیم. یادمان باشد! هیچ کس، هیچ کس یک ورق یا یک پارچه سفید را قاب نمی کنه. اگر می خواهیم جاودانه باشیم، اگر می خواهیم ما رو در دلها قاب بگیرند، باید حرفی برای گفتن داشته باشیم. از او بگو... از مهدی... مطمئن باش که خدا چنین کسی رو قاب می گیره...

11 - حضرت معصومه پلامم الله عليها برای دیدار امام رضا علیه السلام می آمدند که سپاه مامون به آن ها حمله کرد و بسیار را کشت و بعد حضرت معصومه و وارد قم شدند در حالیکه بیمار بودند و به نقلی مسموم شده بودند و بالاجبار در همان جا ماندن و از دنیا رفتند.